

بسم الله الرحمن الرحيم

انسان شناسی و تاثیر آن بر تربیت اسلامی^۱

بخش اول: انسان شناسی مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت انسان سازی به فرمایشی از حضرت امام (ره) استناد می نماید که ساخت انسان را فتح الفتوح توصیف کرده و خطاب به رزمندگان میفرماید: «امام در پیامی به مناسبت یکی از فتوحات شما در جبهه فرمودند؛ فتح الفتوح عبارت از ساختن اینگونه انسان ها و جوان هاست.»

از همین رو، پرورش انسان را بزرگترین کاری می دانند که بشر می تواند انجام دهد. لذا می فرمایند: «کاری که بر دوش معلم است یکی از بزرگترین کارهای است که بشر می تواند انجام دهد، تولید او مهمترین تولید است، تولید انسان فرزانه و آگاه و کارآمد.» از نظر ایشان نه برای معلم بلکه برای یک انقلاب نیز کاری مهمتر از این وجود ندارد. چنانچه تصریح می کنند: «حقیقتا این واقعیتی است که برای یک انقلاب،

^۱ - دکتر حسین عبداللهی فر معاون بررسی و گفتمان سازی سازمان بسیج اساتید

انسان سازی از همه چیز مهمتر است. اگر انقلاب، انسان سازی نکند، هیچ کاری نکرده است. اگر کسی فکر بکند، دلیل این معنا واضح است.»

در پاسخ به این پرسش که چرا اگر انقلاب اسلامی انسان سازی نکند کاری نکرده است؟ چند پاسخ از فرمایشات ایشان قابل استنباط می باشد که عبارتند از:

۱- چون بقای انقلاب در گرو تربیت انسان هاست

« انقلاب یک حادثه است که در نقطه بی از عالم اتفاق می افتد و آثار معجزه آسایی هم نشان می دهد. بقا و استمرار و برکات این حادثه، مستقیماً و تحقیقاً با تربیت انسانها ارتباط پیدا می کند. اگر انسانهای صالح و عالمی باشند که پیام انقلاب را درک کنند و آن را حفظ کنند و به آن عمل نمایند و آن راه و آن جهت را پی بگیرند، انقلاب زنده و مانده است و برکات آن خواهد رسید. اگر خدای نکرده در محیطی که انقلابی به وقوع می پیوندد، انسانها به شکل صحیحی تربیت نشوند، اصول تربیت قلع و قمع بشود، به آن ریزه کاریهای تربیتی اسلامی در محیط اسلامی پرداخته نشود، و خلاصه، انسانهایی که هم آگاه باشند، هم دلسوز باشند، هم احساس مسئولیت کنند، هم کاردان باشند، هم خوش روحیه باشند، پرورنده نشوند، مطمئناً آن اساس اولی هم به خطر خواهد افتاد و ضایع خواهد شد.»^۲

^۲ - بیانات در دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش ۲۵/۱۰/۱۳۷۰

۲- زیرا دنیا بدون انسان صالح تاریک است

« واقعا استدلال نمی خواهد، چون دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده بی جان و کور و تاریک است. آن چیزی که به عالم خاکی جان می بخشد، ارزش می دهد، نور می دهد و معنا و مضمون به وجود می آورد، انسان است. انی جاعل فی الارض خلیفه. جانشین، عنوانی است که خدا به انسان داده است. این جانشین را کجا گذاشته اند فی الارض. ارض بدون این جانشین، چیست و چه ارزشی دارد.»^۳

براین اساس معظم له نه تنها هدف انقلاب اسلامی بلکه همه انقلابهای الهی را تهذیب نفس ذکر کرده و اشاره می کنند: « هر کدامان در هر جا که هستیم، همت اولمان باید بر تکمیل نفس و تهذیب نفس و ساختن باطن و متحلی شدن به حلیه اخلاق الهی و معنوی باشد... تا انسان در باطن و در قلب خود متحول بشود و زیور اخلاق الهی و انسانی را پیدا کند، این، انسان سازی است، این، مقصود و هدف اصلی از همه انقلابهای الهی و بعثت انبیاست.»^۴

^۳- بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی ۱۰/۱۰/۱۳۶۹

^۴- سخنرانی در دیدار با فضلا، طلاب و ائمه مختلف مردم قم، به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دیماه ۷۲۶

۱۹/۱۰/۱۳۷۰

دارنده چنین نگاهی معتقد است: «آن وسیله اساسی که اسلام با آن توانسته است موفقیت‌های خود را به وجود بیاورد انسان سازی است...»^۵

اما سوال مهم دیگری که در این رابطه مطرح می باشد این است که مقصود از انسان سازی چیست؟

مقصود از انسان سازی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی آباد کردن دل و جان آدمی است. با این نگاه منبعث از انسان شناسی اسلامی معظم له می فرمایند: «اساس انقلاب اسلامی هم بر انسان سازی است، و انسان سازی در مرتبه اول، تعمیر دل و آباد کردن جان است. دنیایی که در آن زر و زیور و نعمت باشد، اما انسان از انسانیت و اخلاق و دینداری بهره یی نبرده باشد، این دنیا به اهل دنیا هم لذتی نخواهد داد، آسایشی به بشر نخواهد بخشید. آسایش انسان، ناشی از آن روحیه و اخلاقی است که باید از دین استمداد بشود و سرچشمه بگیرد. دنیایی که در آن، اخلاق و معنویت و دین نباشد، همین می شود که امروز شما می بینید که در سایه ننگین و سنگین قدرت ابرقدرتها و تجاوزگران عالم، چه بر سر ملتها آوردند و دارند می آورند.»^۶

^۵ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین کشور به مناسبت مبعث پیامبر گرامی اسلام (ص) ۷/۹/۷۶

^۶ - سخنرانی در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دیماه

۱۹/۱۰/۱۳۷۰

بخش دوم: تربیت از نگاه مقام معظم رهبری

اهمیت تعلیم و تربیت و همچنین جایگاه مربی و معلم از منظر مقام معظم رهبری از چند فراز سخنان ایشان هویدا میگردد که آنرا از جمله بزرگترین ارزشهای نظام اسلامی و مساله اول نظام اسلامی می دانند و می فرمایند:

« من به شما فرهنگیان عزیز می گویم که مساله فرهنگ و تعلیم و تربیت، مساله اول در نظام ماست. در بلند مدت، هیچ چیز به اندازه تعلیم و تربیت اهمیت ندارد. نقش معلم و مربی در جامعه ما، نقش طراز اول است. در حقیقت، سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و قلدری شیاطین سیاسی عالم، همین سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است. دانش آموزان نونهالی که در اختیار دستگاه فرهنگی کشور قرار دارند، عزیزترین و سرشارترین سرمایه و ذخیره آینده این ملتند. قدر تعلیم و تربیت و معلمی و سنگر فرهنگی را بدانید.»^۷ و « این که کسی افتخار کند معلم است و معلم بودن را قدر بداند و برای تعلیم و تربیت تلاش کند، یکی از بزرگترین ارزشهای نظام اسلامی ماست.»^۸

معظم له در سطحی بسیار بالاتر از این که هدف و یا اولویت نظام را تعلیم و تربیت بدانند فلسفه وجودی نظام اسلامی را تربیت انسان توصیف نموده و آنرا منبعث از نگاه

^۷ - سخنرانی در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلمان و جمعی از دانش آموزان استان تهران ۲۶/۳/۱۳۶۸

^۸ - سخنرانی در دیدار معلمان نمونه سراسر کشور، به مناسبت روز معلم صفحه ۱۲/۲/۱۳۷۰

حضرت امام (ره) به این مقوله معرفی کرده و با اشاره به اینکه امام هم نظام اسلامی را برای تربیت انسانها می خواست، می فرمایند:

« اینها حقایقی است که ملت ایران در طول سالهای متمادی آنها را لمس کرده، ما هم که از نزدیک شاهدش بودیم و دیدیم. تربیت اسلامی و قرآنی این است. امام به چنین چیزی همه را دعوت می کرد، نظام اسلامی را برای تربیت انسانهایی از این قبیل می خواست و می پسندید، همان طور که خود او مظهر اعلای آن بود.»^۹

معظم له با تصریح به وظیفه حکومت ها در این امر مهم به لزوم معلم و مربی بودن هر نفس بر خودش اشاره کرده و می فرمایند:

«ما باید امروز به سمت تغییر خودمان به سوی الگوهایی که اسلام معین کرده است، پیش برویم، تغییر خودمان به عنوان اشخاص - هر کس هم از خود شروع کند - درست است که حکومت در مقابل مردم، نسبت به مساله تعلیم و تربیت، وظایف سنگینی بر دوش دارد، اما این وظایف، منافاتی ندارد که ما - مسئولین و اعضای که هر کدام مسئولیتی را بر عهده گرفته ایم - روی خودمان به عنوان شخص هم کار کنیم.»^{۱۰}

از نظر ایشان تعلیم و تربیت نه تنها وظیفه حکومت ها بلکه یک حق برای هر فرد به حساب می آید آنجا که می فرمایند: «تعلیم و تربیت، یکی از مقولاتی است که آزادی

۹- متن کامل خطبه های نماز جمعه تهران به امامت مقام معظم رهبری ۱۴/۳/۱۳۷۸

۱۰- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین کشور به مناسبت مبعث پیامبر گرامی اسلام (ص) ۷/۹/۱۳۷۶

در آن، جزو مسلم ترین حقوق انسانهاست. انسانها حق دارند یاد بگیرند، اما همین آزادی، در دانشگاه‌های بزرگ دنیای غربی محدود می‌شود!»^{۱۱}

از همین رو معظم له بر آموزش و تزکیه در کنار یکدیگر تاکید نموده و می‌فرماید: «باید انسانها، هم آموزش داده بشوند، هم تزکیه بشوند، تا این کره خاکی و این جامعه بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده سالم، راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره مند شود، هدف همه نبوتها و بعثتها این است.»^{۱۲}

از منظر مقام معظم رهبری تعلیم و تربیت یکی از اهداف عالی همه انبیای الهی است اما رسالت نبی مکرم اسلام (ص) به جهت ختمیت و جامعیت به حدی است که بشریت را به سر منزل نهایی هدایت نماید.

«هر کدام از انبیا به نبوت مبعوث شدند، این اقدام بزرگ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه می‌داد، پیش بردند، اما دین خاتم و نبی خاتم باید این حرکت عظیم الهی را ابدیت ببخشد، چون پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر به آن سر منزل نهایی خود در این عالم - که زندگی در کره خاکی و در خانواده بشری، باید همراه با صلح و صفا و عدالت و با بهره‌مندی از خیرات عالم باشد - نزدیک بشود و بالاخره به آن برسد.»^{۱۳}

۱۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۱۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز عید سعید غدیر خم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹

۱۳ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز عید سعید غدیر خم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹

بخش سوم: تاثیر انسان شناسی بر تربیت اسلامی

با عنایت به نگاه صحیح به انسان به عنوان جانشین یا به عبارت احسن مشابه خداوند بر روی زمین و ظرفیتی که خالق وی برای رسیدن به این جایگاه در وی نهاده، از منظر اسلام شکوفا نمودن این استعداد الهی و ظرفیت بالقوه محتاج الزاماتی می باشد که بخشی از آن بر عهده شخص، بخشی بر دوش خانواده، قسمتی نیز بر ذمه جامعه و حکومت می باشد.

از این رو حاکم اسلامی به عنوان مربی عالی جامعه و سایر مربیان و معلمان پرورش دهنده آحاد بشریت باید از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار باشند تا بتوانند از عهده تربیت انسان کامل برآیند. اما حداقل شاخصه ها و ویژگی های مربی چه باید باشد؟ سوالی است که برای پاسخ آن از دیدگاههای مقام معظم رهبری بهره می گیریم.

تفکیک گونه های تربیت

رهبری معظم انقلاب اسلامی که « کار تعلیم و تربیت را تولید انسان کامل»^{۱۴} می داند، معتقدند جهت تولید انسان کامل به چند گونه تربیت نیاز می باشد که می توان به استاد هر کدام از آنها حداقل سه ویژگی بارز برای مربیان و معلمان که از نظر معظم له یکی از فاخرترین کارها را انجام می دهند^{۱۵} برشمرد:

۱۴ - در دیدار با جمع کثیری از کارگران و معلمان، به مناسبت روز کارگر هفته معلم ۱۵/۲/۱۳۷۸

۱۵ - در دیدار با جمع کثیری از کارگران و معلمان، به مناسبت روز کارگر و هفته معلم ۱۵/۲/۱۳۷۸

تربیت عقلانی

از نظر مقام معظم رهبری یکی از تربیت های مورد نیاز برای هر نفس « تربیت عقلانی » است. چنانچه می فرمایند:

«در درجهی اول، تربیت عقلانی است. یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن، تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد؛ این اولین مسئله است؛ و مهمترین مسئله هم همین است.

ایشان در بیان نقش عقل در تامین سعادت انسان ها به جایگاه آن در بعثت و قرآن اشاره نموده و می فرمایند: «علاوه بر اینکه در درجهی اول در بعثت پیغمبر، مسئلهی عقل مطرح شده است، مسئلهی دانائی مطرح شده است، در سرتاسر قرآن و تعالیم غیر قرآنی پیغمبر هم، هرچه شما نگاه میکنید، می بینید تکیه ی بر عقل و خرد و تأمل و تدبر و تفکر و این گونه تعبیرات است؛ حتی در روز قیامت از زبان مجرمان، قرآن می فرماید:

«لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السّعیر» علت اینکه ما دچار آتش دوزخ شدیم، این است که به عقل خود، به خرد خود مراجعه نکردیم، گوش نکردیم، دل ندادیم؛ لذا امروز که روز قیامت است، به این سرنوشت ابدی تلخ مبتلا شدیم.»^{۱۶}

^{۱۶} - بیانات مقام معظم رهبری در سالروز عید سعید مبعث 29/4/1388

معظم له در ادامه می فرمایند: « در کارنامه‌ی همه‌ی پیغمبران، در زندگی همه‌ی پیغمبران - این مخصوص پیغمبر خاتم هم نیست - دعوت به عقل در درجه‌ی اول است. البته در اسلام این قویتر و روشنتر و واضح تر است. لذا امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) در علت بعثت انبیاء میفرماید: «لیستأدوهم میثاق فطرته» تا به اینجا که: «و یشروا لهم دفائن العقول» گنجینه‌های عقل را، خرد را استخراج کنند. این گنجینه‌ی خرد در دل من و شما هست. اشکال کار ما این است که مثل آن انسانی هستیم که بر روی گنجی خوابیده است، از آن خبر ندارد و از آن بهره نمیبرد و از گرسنگی میمیرد. وضع ما اینجور است. به عقل وقتی مراجعه نمی‌کنیم، عقل را حکم وقتی قرار نمی‌دهیم، عقل را تربیت وقتی نمی‌کنیم، زمام نفس را به دست عقل وقتی نمی‌سپریم، وضع ما همین است.»

رهبر معظم انقلاب در تبیین لزوم تربیت عقلانی تاکید می‌کنند: « این گنجینه در اختیار ما هست، اما از آن استفاده نمی‌کنیم. آن وقت از بی‌عقلی و از جهل و عوارض فراوان آن دچار مشکلات فراوان زندگی در دنیا و در آخرت می‌شویم. لذا در حدیثی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود:

«انَّ العَقلَ عَقالٌ مِنَ الجَهلِ»؛ عقل عقال جهل است. عقال آن ریسمانی است که به پای حیوان - شتر یا غیر شتر - می‌بندند که حرکت نکند، قابل کنترل باشد. میفرماید عقل عقال جهل است؛ این پای‌بندی است که مانع میشود از اینکه انسان با جهالت حرکت

کند. بعد می فرماید: «و النَّفْسُ كَمَثَلِ الدَّوَابِّ»؛ نفس انسان مثل شرورترین حیوانات است؛ مثل شرورترین چهارپایان است؛ نفس این است. «فان لم تعقل حارت» وقتی این نفس را عقال نکردید، مهار نکردید، کنترلش را در دست نگرفتید، سرگردان میشود؛ مثل حیوان وحشی‌ای که نمیداند کجا میرود، سرگردان میشود؛ با این سرگردانی است که مشکلات به وجود می‌آید برای انسان در زندگی شخصی خود، در زندگی اجتماعی خود و برای یک جامعه‌ی انسانی. عقل این است.»

چرا که به فرموده ایشان «اولین کار پیامبر مکرم اثره‌ی عقل است، برشوراندن قدرت تفکر است؛ قدرت تفکر را در یک جامعه تقویت کردن. این، حلال مشکلات است. عقل است که انسان را به دین راهبرد می‌دهد، انسان را به دین می‌کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار می‌کند.

عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز و دل‌دادن به دنیا باز می‌دارد؛ عقل این است. لذا اول کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم این است.»

و اینک «ما هم در جامعه‌ی اسلامی، امروز که خواسته‌ایم نمونه‌ای باشد از جامعه‌ی اسلامی پیامبر مکرم، با همه‌ی ضعفهای ما، با همه‌ی حقارت‌هایی که در ماها هست، در قبال آن عظمت بی‌نظیر پیامبر، اینجور حرکت کردیم، اینجور خواستیم که نمونه‌ای از آن درست کنیم. در این جامعه هم باید عقل معیار باشد، ملاک باشد.»

تربیت اخلاقی

تربیت دوم، تربیت اخلاقی است که: «بعثت لأتمم مکارم الاخلاق» مکرمت‌های اخلاقی، فضیلت‌های اخلاقی را در میان مردم کامل کند. اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه‌ی بشری اگر وجود داشت، انسانها میتوانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند. اخلاق که نبود، بی‌اخلاقی وقتی حاکم شد، حرصها، هوای نفسها، جهالتها، دنیاطلبی‌ها، بغضهای شخصی، حسادتها، بخلها، سوءظن به یکدیگر وارد شد - وقتی این رذائل اخلاقی به میان آمد - زندگی سخت خواهد شد؛ فضا تنگ خواهد شد؛ قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد. لذا در قرآن کریم در چند جا - «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة» تزکیه که همان رشد اخلاقی دادن است، جلوتر از تعلیم آمده است. در همین روایت هم که راجع به عقل از پیغمبر اکرم عرض کردیم - بعد که عقل را بیان میکند - می‌فرماید که آن وقت از عقل، حلم به وجود آمد؛ از حلم، علم به وجود آمد. ترتیب این مسائل را انسان توجه کند: عقل، اول حلم را به وجود می‌آورد؛ حالت بردباری را، حالت تحمل را. این حالت بردباری وقتی بود، زمینه برای آموختن دانش، افزودن بر معلومات خود - شخص و جامعه - فراهم خواهد آمد؛ یعنی علم در مرتبه‌ی بعد از حلم است. حلم، اخلاق است. در آیه‌ی قرآن هم «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة»، تزکیه را جلوتر می‌آورد. این، تربیت اخلاقی است. امروز ما نهایت نیاز را به این تربیت اخلاقی داریم؛ هم ما مردم ایران، جامعه‌ی

اسلامی در این محدوده‌ی جغرافیائی، هم در همه‌ی دنیای اسلام؛ امت بزرگ اسلامی، جوامع مسلمان. این‌ها نیازهای اول ماست .

تربیت قانونی

بعد به دنبال آن تربیت قانونی است، انضباط قانونی. اول‌عامل به همه‌ی احکام اسلام، خودِ شخص نبی مکرم اسلام بود. از قول ام‌المؤمنین عایشه نقل شده است که سؤال کردند راجع به پیغمبر - اخلاق پیغمبر، رفتار پیغمبر - گفت: «کان خلقه القرآن» اخلاق او، رفتار او، زندگی او، تجسم قرآن بود. یعنی چیزی نبود که به او امر کند، خود او از آن غافل بماند. اینها همه‌اش برای ما درس است؛ اینها همه درس است. نه اینکه ما آن عظمت را با حقارت‌های خودمان بخواهیم مقایسه کنیم، آنجا قله است، ما در دامنه‌ها داریم حرکت میکنیم؛ اما به سمت قله حرکت میکنیم؛ شاخص آنجاست، معیار آنجاست...

بخش چهارم: شاخصه‌های مربی اسلامی

معلم و مربی یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت است که افکار، گفتار و کردار او بر دانش آموزان تاثیر مستقیم دارد و یکی از دلایل اساسی عصمت انبیا و امامان همین است که چون اسوه و الگوی زندگی مردم قرار می‌گیرند نباید هیچ نقطه تاریکی در

زندگی آنان باشد. در قرآن مجید می خوانیم: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»^{۱۷} انسان باید به غذایش، نیک بنگرد. امام باقر(ع) در بیان «طعام» در این آیه می فرماید: «عِلْمُهُ الْاَذَى يَأْخُذُهُ عَنِ مَنْ يَأْخُذُهُ»^{۱۸}

منظور دانش اوست که فرا می گیرد. (باید دقت کند که) آن را از چه کسی می گیرد.^{۱۹} از نظر اسلام، «خودسازی» مقدمه «دیگر سازی» و لازمه آن است؛ تا انسان نفس خود را تربیت نکرده باشد، نمی تواند مربی دیگران شود. امیرمومنان (ع) می فرماید: «من لم يصلح نفسه لم يصلح غيره» کسی که خود را اصلاح نکرده، دیگری را اصلاح نخواهد کرد.^{۲۰}

از همین رو می توان گفت نخستین اصل تربیت موثر و منتج، توجه به ویژگی های مربی است لذا ذیلا با استفاده از فرمایشات حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب در بیان انواع تربیت های؛ عقلانی، اخلاقی و قانونی به شاخصه های مربی انسان ساز اشاره می کنیم: الف) تربیت یافتگی؛ امام امت(ره) در سیره علمی و عملی خویش بر این نظر استوار و پایبند بودند که مربی باید یکی تربیت یافته براساس اصول صحیح تربیت باشد تا تربیت از او صادر شود. و می فرمود:

۱۷- عبس(۸۰)، آیه ۲۴.

۱۸- البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، ج ۴، ص ۴۲۹، علمیه، قم.

۱۹- سیره اخلاقی - تربیتی امام خمینی(ره) علی اصغر الهامی نیا، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، تحسین، ۱۳۸۱.

۲۰- همان

«هر اصلاحی، نقطه اولش خود انسان است. اگر چنانچه خود انسان تربیت نشود، نمی تواند دیگران را تربیت کند... آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست بشود و ما باید از قلبمان شروع کنیم. از مغزمان شروع کنیم و هر روز دنبال این باشیم که روز دوممان از روز اولمان بهتر باشد و امیدوارم این مجاهده نفسانی برای همه ما حاصل بشود و دنبال آن، مجاهده برای ساختن یک کشور.»^{۲۱}

و در سخنی دیگر می فرماید:

«سازندگی های روحی، مقدم بر همه سازندگی ها است... انسان تا خودش را نسازد نمی تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی شود که کشور ساخته بشود... جهاد نفس جهاد اکبر است، برای اینکه همه جهادها اگر بخواهد نتیجه داشته باشد و بخواهد انسان در جهادها پیروز بشود، موقوف به این است که در جهاد نفس پیروز باشد.»^{۲۲}

(ب) قانون مدار؛ یعنی به همه احکام شارع مقدس پایبند باشد چنانچه رسول خدا (ص) خود بر احکام و قوانینی که حامل آن بودند پایبند ترین بودند و مربی اسلامی نمی تواند موفقیتی در امر تربیت حاصل کند و حال آنکه مقید به قوانین الهی نباشد.

^{۲۱} - صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۸۲.

^{۲۲} - صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۰.

ج) مزکی و مهذب؛ یعنی در عمل به اخلاق اسلامی پیش قدم باشد و متریان تحت تاثیر رفتار عملی او آموزه های لازم را فرا گیرند. بر این اساس خود ساخته بودن معلمان دینی و مریبان تربیتی در اسلام يك اصل است که بدون آن، تعليم و تربیت، ره به جایی نخواهد برد. حضرت امام خمینی(ره)، با وقوف کامل بر این اصل اساسی تربیتی، نخست تلاش کرد تا خود بر قله تهذيب و اخلاق اسلامی جای گیرد؛ خویشتن را از همه رذایل اخلاقی بپالاید و افکار و کردارش را با فضایل انسانی بیاراید، سپس زمام رهبری خلق را به دست گیرد و آنان را از ظلمت به سوی نور هدایت نماید. امام در سال های نخستین زندگی و در دوران نوجوانی و جوانی، تربیتی الهی یافت و در وادی خودسازی و صیقل دادن روح گام نهاد. و هرگز گرد دنیا پرستی و حب جاه و مقام نگشت و گوهر ارزشمند نفس را به بهای ناچیز هوا و هوس نفروخت و به جای بندگی دنیا و نفس اماره، بنده خدا شد و با گردن نهادن به طوق بندگی خدا، آزاده ترین مرد جهان گشت، انگاه توانست ملتی را از زیر یوغ ستمگران آزاد نماید. گویا خود به این مقام رسیده که می نویسد:

«... اگر توجه به ذات مقدس او پیدا کردی و دلت خاضع و در محضر او گردید از هر دو عالم و ارهی و طوق عبودیت مخلوق را از گردن بیرون کنی... بندگی خدا گوهر گرانبهائی است که باطن آن، آزادی و ربوبیت است. به واسطه عبودیت حق و توجه به نقطه مرکزیه و افناء تمام قوا و سلطنت ها در تحت سلطنت مطلقه الهی، چنان حالتی در قلب پیدا شود که قهر و سلطنت بر همه عوالم کند و از برای روح حالت عظمت و

رفعتی پیدا شود که جز در پیشگاه ربوبیت و آنها که اطاعت آنها اطاعت ذات مقدس حق است سر به اطاعت احدی ننهد.»^{۲۳}

امام راحل توأمان بودن علم و عمل و تعلیم و تزکیه را ضروری می دانست و برای تزکیه ارجحیت و امتیاز قائل بود و حتی تعلیم بدون تزکیه را سم مهلک قلمداد می کرد: «پرورش قبل از آموزش است، اگر هم قبل نباشد همراه باید باشند و رتبه او مقدم است؛ اگر چنانچه نفوس تزکیه نشوند، تطهیر نشوند، از آن اوصاف فاسد بیرون نروند، علم اثر سوء در آنها می کند. تمام ادیان باطله را علما اختراع کردند، دانشمندان اختراع کردند، برای اینکه علم وارد شده بود در یک جایی که پرورش نداشته، تزکیه نشده وقتی که علم آمد در جایی که تزکیه نشده، این عالم که حامل این علم است و مزکی هم نیست، خطرناک می شود. برای جامعه فرقی نیست ما بین علمای روحانی و علمای دانشگاهی و غیره... انسان اگر خودش منحرف باشد، نمی تواند دیگران را مستقیم کند. این شکی نیست که آدمی که خودش، فرض کنید، خدای نخواستہ شرابخوار باشد نمی تواند دیگران را از شرابخواری باز دارد، او دعوت می کند دیگران را به آن! اگر شما خودتان، را اصلاح نکنید... و خودتان را اسلامی نکنید، نمی توانید دیگران را به اسلام دعوت کنید.»^{۲۴}

^{۲۳}-چهل حدیث، ص ۲۵۶.

^{۲۴}-صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۱۲ و ۲۱۶.

د) خردمند و عاقل؛ مری انسان کامل وقتی می تواند عقل متربی خود را شکوفا نماید که خود از عقلانیتی عالی و کامل بهره مند باشد. رسول خدا (ص) در سایه خرد ناب به نبرد با جهل و نادانی پرداخت و اکسیر دانایی را برای توانمند شدن مومنان به ارمغان آورد.

استاد شهید مرتضی مطهری با تاکید بر اصل تفکر در تربیت انسان می گوید: «یکی از انواع عوامل اصلاح و تربیت نفس در متون اسلامی عادت کردن به تفکر است تفکر باید برای آدم عادت بشود عادت کردن به تفکر یعنی در هر کاری که انسان می خواهد تصمیم بگیرد عادت داشته باشد که قبلا کاملا روی آن کار فکر کند.»^{۲۵}

دینمداری توأم با تأمل و تدبیر می تواند متربیانی متفکر و متدین را با خود همراه سازد و تشویق مری به امر تدبیر و تفکر محصولی به جز انسان کامل نخواهد داشت.

ه) عامل بودن؛ یک از اصول دیگر از منظر رهبر معظم انقلاب که از آن به عنوان رمز بزرگ موفقیت پیامبر گرامی اسلام یاد می کنند عبارت است از عامل بودن، چنانچه می فرمایند: «پیغمبر خود عامل بود؛ آمن الرسول بما انزل الیه من ربّه و مؤمنون هم دنبال سر پیغمبر. او عامل است، مردم هم به عمل او نگاه می کنند، راه را پیدا می کنند.»

^{۲۵} - شهید مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۴۴.

لذا معظم له می فرماید: «نقش بزرگان جامعه، نقش رهبران جامعه، نقش نخبگان جامعه این است. به حرف نباید اکتفا کنیم. در جمع شما بسیاری از مسئولین کشور هستید، هر کدامی می توانید از لحاظ عمل، از لحاظ الگو شدن برای افرادی که به شما نگاه می کنند، یک اسوه باشید.»

و اگر بشر امروزی در جوامع غربی در حدی از آسایش و راحتی برگرفته از پیشرفت های علمی و تکنولوژیک برخوردار است اما از طمانینه و آرامش ناشی از ایمان و معنویت بی بهره مانده است و این بدان روست که نیازهای مادی بشر مورد توجه قرار گرفته بی آنکه به نیازهای معنوی اش پاسخی داده شود.

اما در جوامع دینی و مذهبی حاکم اسلامی نه تنها به نیازهای مادی و معنوی انسان ها توجه دارد بلکه در حکومت ولایی اداره جامعه تدبیر امور روزانه تعریف نشده است. آنچه در این جوامع جایگزین تدبیر گردیده هدایت عامه می باشد که هدفش پرورش و تربیت انسان کامل است انسانی که با عقل و دین خواسته ای جز تحصیل سعادت اخروی و استکمال نفس دنبال نمی کند.

رهبر معظم انقلاب در این خصوص فرمایشات مبسوطی دارند که در بخشی از آن آمده است:

«معنای هدایت مردم این است که بر اثر تعلیم و تربیت درست و راهنمایی مردم به سرچشمه های فضیلت، کاری بشود که خواست مردم در جهت فضایل اخلاقی باشد و هوسهای فاسد کننده یی که گاهی به نام آرا و خواست مردم مطرح می گردد. از

افق انتخاب مردم دور شود. امروز شما ملاحظه می کنید در بسیاری از دمکراسیهای غربی، زشت ترین انحرافات - انحرافات جنسی و امثال آن - به عنوان این که خواست مردم است، صبغه قانونی پیدا می کند و رسمی می شود و به اشاعه آن کمک می گردد، این غیبت عنصر معنوی و هدایت ایمانی را نشان می دهد.»^{۲۶}

وجه تمایز عمده در نظام های لیبرال دموکراسی غرب که با پوشش دموکراسی منافع اقلیت تامین می گردد با نظام های مردم سالاری دینی که قوانین الهی حاکم است در همین اهداف و شیوه ها نهفته است. چنانچه رهبر معظم انقلاب در ادامه فرمایشات خود بدین مهم اشاره نموده و می فرمایند: «در نظام اسلامی - یعنی مردم سالاری دینی - مردم انتخاب می کنند، تصمیم می گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند، اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی برد و از صراط مستقیم خارج نمی شود، نکته اصلی در مردم سالاری دینی این است، این هدیه انقلاب اسلامی به ملت ایران است، این تجربه جدید و جوانی است، اما تجربه قابل تامل و پیگیری و قابل تقلیدی است برای همه کسانی که دلشان برای فضیلتها و جامعه پاک و پاکیزه انسانی می تپد و از جرایم و رذایل اخلاقی و رواج زشتیهای خلیقات بشری رنج می برند.»^{۲۷}

۲۶- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۱/۵/۱۳۸۰

۲۷- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۱/۵/۱۳۸۰